

# سرمایه‌داری

از دکتر غلامحسین خورشیدی

امروز معدود کشوری در دنیا وجود دارد که بتوان آن را به عنوان کشوری با اقتصاد سرمایه‌داری یا آزاد اصطلاح نمود. حتی اقتصاد کشورهای چون آمریکا و انگلستان که مادر کشورهای سرمایه‌داری خوانده می‌شوند از نوع اقتصاد مختلط است. اما به هر حال، در اقتصاد آنها بازار آزاد یا سرمایه‌داری تفوق دارد زیرا حتی اکنون هم نقش عمده در اقتصاد این کشورها توسط مؤسسات خصوصی و تراست‌ها ایفا می‌گردد.

در نظام سرمایه‌داری، کلیه مزارع، کارخانه‌ها و دیگر ابزار تولید تحت مالکیت افراد حقیقی و حقوقی است. آنها مجازند از این مزارع، کارخانه‌ها و ابزار در جهت سودبری، بهره‌برداری نموده و یا در صورتی که صلاح بدانند آنها را تعطیل کنند. اشتیاق برای سود تنها انگیزه‌ای است که صاحبان این مزارع، کارخانه‌ها و ابزار تولید را وادار به کارگیری آنها می‌کند. در کنار آزادی در استفاده از ابزار، هر فردی مجاز است هر رشته تولیدی را که خواست انتخاب کند و برای سود بیشتر می‌تواند با دیگر شهروندان قراردادهایی را منعقد سازد.

هر چند دولت‌ها محدودیت‌های خاصی را در جهت رفاه عمومی وضع می‌کنند، با این حال، این محدودیت‌ها فرجه زیادی را برای طبقه مالکین در بهره‌برداری از مایملک خود به رویه‌ای که دوست دارند، یا ورود به تجارتی که از نظر سودآور است و یا انعقاد قراردادهایی که برای نفع شخصی‌اشان ضروری به نظر می‌رسد، اعطا می‌نماید.

اینکه چه تولید شود، چگونه تولید شود و برای چه کسی تولید شود و بالاخره همه مسائل کلیدی اقتصادی بر اساس عرضه و تقاضا معین

می‌گردد. توسعه اقتصادی آمریکا، انگلستان و کشورهای اروپائی تحت لوای سیستم‌های سرمایه‌داری و آزاد شکل گرفته است و سرمایه‌داری سیستمی است که در آن تشکیلات اداری در انحصار مالکین خصوصی است.

تعریفی از کاپیتالیسم وجود دارد که روشن‌کننده مفاهیم لازمه این سیستم می‌باشد. در بیان لغت کاپیتالیسم یا سیستم کاپیتالیستی و یا آنچنانکه بعضاً ترجیح می‌دهیم، تمدن کاپیتالیستی منظور ما، طبقه خاصی در فرآیند پیشرفت صنعتی و نهاد حقوقی مشخصی است که در آن توده کارگران خود را جدای از تعلق ابزار تولید می‌بینند و در آن به موقعیت مزدبگیرانی می‌رسند که امرار معاش، امنیت و آزادی فردی آنها به ظاهر بستگی به اراده بخش کوچکی از ملت، یعنی آنهاست که مالکند و بر اساس مالکیت حقوقشان، کنترل سرزمین، ماشینها و نیروهای کاری اجتماع را به عهده دارند و هدفشان به دست آوردن منافع خصوصی است، دارد.

## مشخصه‌های مهم سرمایه‌داری

۱) اصالت مالکیت خصوصی: مهمترین مسأله در سرمایه‌داری تأکید بر مالکیت خصوصی است. هر شخصی آزاد است که ملک خصوصی داشته باشد و آن را نگاهداری کند و بعد از مرگش به وارثین خود بدهد. نتیجه این سیستم به وجود آمدن جامعه طبقاتی است. مردم غنی روز به روز غنی‌تر و فقیران نیز فقیرتر می‌شوند. علاوه بر این، ابزار تولید نیز خصوصی است. مدیریت کارخانه و مزرعه با صاحب آن است. این افراد به خاطر منافع شخصی و نه برای جامعه به شغل کشاورزی، تجارت و صنعت رو می‌آورند. نتیجه این حالت به وجود آمدن قطب‌هایی از سرمایه‌داران قوی و زمین‌داران غنی می‌شود.

۲) آزادی در تصدی و معاملات تجاری و... یکی از مشخصه‌های مهم سرمایه‌داری در جامعه، آزادی اقتصادی است. این آزادی در سه زمینه وجود دارد الف: آزادی در تصدی معاملات تجاری ب: آزادی در انعقاد قراردادها

○ تمرکز قدرت اقتصادی یکی از اساسی‌ترین نقص‌های سرمایه‌داری شمرده می‌شود.

○ نتیجه سیستم سرمایه‌داری به وجود آمدن جامعه طبقاتی است.

مردم غنی روز به روز غنی‌تر و فقیران نیز فقیرتر می‌شوند.

○ مهمترین عامل کنترل اختیارت مصرف‌کننده میزان درآمد او است.

نیازهایی که مطابق درآمد حرکت نمی‌کنند، ارضاء نمی‌شوند.

بنابراین خواسته‌های حقیقی مصرف‌کننده در سرمایه‌گذاری تأمین نمی‌شود.

و پیمان‌هاج: آزادی در مسائل شخصی، هر شخصی در انتخاب مقام و شغل مورد علاقه خود مختار است. هر تبعه کشور در تشکیل شرکت و ساخت کارخانه در هر نقطه که بخواهد آزاد است. ولی عملاً به طور کامل آزادی در این مسائل وجود ندارد مثلاً آزادی انتخاب مقام،

محصولی را مشخص می‌سازد. آنها بازار و مصرف را مشخص می‌نمایند. قیمت‌ها، نقش علامت را ایفا می‌کنند. قیمت‌ها، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و این مسأله دلیل نام‌گذاری سیستم مذکور را به حکومت قیمت‌ها بیان می‌نماید. (۷) قانون کارآفرینان. یکی دیگر از

- در نظام سرمایه‌داری، قیمت علامتی است که تعیین می‌کند تولیدکننده کدام محصول را تولید کند و کدام را تولید نکند. قیمت بالا باعث می‌شود که مصرف‌کننده مقدار مصرف را کم کند و بالعکس
- هم‌اکنون ناقوس مرگ کاپیتالیسم در اکثر ممالک دنیا به صدا درآمده است. روشنفکران مردم‌گرا نظریات پیشرفته خودشان را در ممالک سرمایه‌داری ارائه می‌دهند و به عنوان راه فراری از شرایط ذلت‌بار موجود مطرح می‌سازند.

فقط حرفی است. مشکلات مختلف و قوانین مختلفی در انتخاب شخصی دخالت دارند و نتیجه این عمل این است که تنها مقام‌هایی پائین دست برای افراد فقیر باقی می‌ماند.

(۳) آزادی انتخاب برای مصرف‌کنندگان: یکی دیگر از مسائل مهم سرمایه‌داری آزادی انتخاب خدمات سرویس مصرفی مورد علاقه فرد است. شخص در استفاده از خدمت خاص اجبار نمی‌شود. البته در این حالت مقدار مصرف به درآمد مصرف‌کننده مرتبط است. علاقه‌های مصرف‌کننده‌هاست که باعث ایجاد شکل‌ها و مقادیر مختلف تولید شده است.

(۴) محرک سودآوری: یکی دیگر از خصوصیات سرمایه‌داری وجود محرک سودآوری است؛ این مسأله باعث می‌شود که مردم هر شغل تولیدی را انتخاب نمایند. در این سیستم‌ها سودآوری محرک اصلی در فعالیت‌های نوگرایانه است. فعالیت‌ها و خدماتی که تحت شرایط سرمایه‌داری بوجود می‌آیند دارای حداکثر سودآوری هستند. نوع و روش

تولید محصول بر اساس سوددهی و نه بر اساس نیاز جامعه تعیین می‌شود. محرک سودآوری باعث می‌شود که از عوامل مطلوب در تولید استفاده گردد.

(۵) برخورد طبقاتی: خصوصیت دیگر سرمایه‌داری برخورد طبقات است. در این حالت جامعه به دو طبقه تقسیم می‌گردد: یکی داراییان و دیگری ناداران که به طور مداوم باهم در ستیز هستند. برخورد بین کارگران و سرمایه‌داران در تمام کشورهای سرمایه‌داری وجود دارد و راه حل مناسبی نیز برای آن به نظر نمی‌رسد. هرکدام دشمن طبیعی دیگری هستند.

(۶) طبیعت بی‌محور: یکی از خصوصیات قابل ذکر دیگر، طبیعت بی‌محور این نظام اقتصادی است. در این حالت هیچ مرکزی برای فعالیت اقتصادی موجود نیست. همه چیز خود به خود پیش می‌رود. تولید در سیر تصمیمات نوگرایان هدایت می‌شود و مصرف‌کنندگان فرمان روا هستند. تمایلات مصرف‌کننده است که نهایتاً تولید یا عدم تولید

خصوصیات این نظام اقتصادی قوانین کارآفرینی است که کل ماشین آلات تولیدی کشور تحت این قوانین قرار می‌گیرند. کارآفرین، هدایت‌کننده واقعی نظام است.

(۸) مراقبت و مخاطره. یکی دیگر از خصوصیات این نظام اقتصادی کنترل مشاغل از راه مخاطره است. این مسئله به قانون طلائی سرمایه‌داری موسوم است. کسی که در پوشش مخاطره عمل کرده است، مشغله را کنترل می‌کند. در صورتی که سرمایه شخصی در دستهای شخص دیگری باشد مشاهده می‌شود که تصمیماتی بدون مسؤولیت گرفته خواهد شد.

(۹) رقابت. این مسأله خصیصه دیگر سرمایه‌داری است. تولیدکنندگان توسط تبلیغات برای جلب نظر مشتری و مصرف‌کننده باهم رقابت می‌نمایند. آنها ممکن است قیمت‌ها را پائین آورند و یا کیفیت را بالا ببرند یا مزایای جنسی برای خریداران قائل شوند. از سوی دیگر، در بین خریداران نیز رقابت وجود دارد.

○ رقابت که حالت اصلی اقتصاد سرمایه‌داری می‌باشد، فی‌نفسه بیهوده است. نتیجه رقابت، تولیدات بسیار متنوع می‌باشد و تنوع تا حدی که زمینه انتخاب را برای مصرف‌کننده فراهم می‌کند قابل قبول است. اما تنوع خیلی زیاد موجب اتلاف خواهد بود زیرا یک مجموعه کوچک اما در تعداد زیاد تولید، اقتصادی‌تر است.

○ در انتخابات اقتصادی، یک مصرف‌کننده به اندازه‌ای که ریال برای مصرف دارد، رای به صندوق می‌اندازد. اگر انتخاب‌کنندگان اقتصادی بخواهند پول‌هایشان را برای چیزهای بی‌مصرف به جای کالاهای اساسی خرج کنند، چنین چیزهایی تولید می‌شود.

در بین کارگران و کارمندان نیز رقابت وجود خواهد داشت.

باید بگوییم که رقابت خالص و کامل در سرمایه‌داری به ندرت دیده می‌شود. در دنیای واقعی رقابت‌های ناکامل وجود دارد.

همان‌طور که متوجه شده‌ایم این نظام اقتصادی نه تنها به رقابت بستگی دارد بلکه به همکاری بین صنایع مختلف نیز وابسته است. خریداران با خریداران و فروشندگان با فروشندگان رقابت می‌کنند و کارگران در گرفتن کار رقابت می‌نمایند ولی همه باهم در برابر سرمایه‌دار قرار می‌گیرند. به طور مشابه نیز سرمایه‌داران بین خود رقابت کرده و باهم سازمان‌هایی نیز تشکیل می‌دهند. به این ترتیب، در سرمایه‌داری، رقابت و همکاری در کنار هم پیش می‌روند.

۱۰ اهمیت نظام قیمت‌ها. گفته می‌شود که سرمایه‌داری توسط قیمت اداره می‌گردد. قیمت‌ها باعث تعدیل بین عرضه و مصرف می‌شوند. قیمت علامتی است که تعیین می‌کند تولیدکننده کدام محصول را تولید کند و کدام را تولید نکند. قیمت بالا باعث می‌شود که مصرف‌کننده مقدار مصرف را کم کند و بالعکس.

۱۱ عدم موازنه اقتصادی. یکی از خصوصیات کشورهای سرمایه‌داری نامساوی بودن موقعیت اقتصادی مردم است. تعداد کمی

بسیار پول‌دار هستند و تعداد زیادی حتی نمی‌توانند دو وعده غذای کامل بخورند. عدم موازنه و تساوی نتیجه نامساوی بودن درآمدها در نتیجه نامساوی بودن سرمایه‌هاست. زیرا هرچه سرمایه بیشتر شود درآمد هم زیادتر خواهد شد.

### حاکمیت مصرف‌کننده

در کاپیتالیسم یا سیستم سرمایه‌گذاری آزاد مصرف‌کننده می‌تواند با یک حاکم مقتدر مقایسه گردد، هوس‌های او پیش‌داوری‌ها و خواست‌هایش، بر دنیای تولید حکومت می‌کند. مؤسس صنایع جدید بنده زنجیری اوست و خدمت کاران زیادی دست‌ورهایش را انجام می‌دهند. اگر مصرف‌کننده راضی باشد، مؤسس خوشحال و موفق است و هرگاه خریدار ناراضی باشد پرونده مؤسس مختومه می‌باشد. بدین خاطر است که می‌گویند مصرف‌کننده حکومت می‌کند. در گذشته نقش مصرف‌کننده واضح بود. مصرف‌کننده تقاضای کفش، پارچه و امثال این‌ها بود و فروش تقاضا را ارضاء می‌نمود. مصرف‌کننده آنچه را که می‌خواست می‌گرفت و لذا او بدون شک فراروا بود.

اما تولیدکننده جدید بر اساس تقاضا عمل نمی‌کند. او تقاضاها و نیازها را پیش‌بینی می‌کند. حرفه مؤسس بنگاه پیش‌بینی کردن زیرکانه آن چیزی است که مصرف‌کننده را به بهترین

صورت قانع می‌کند. در این جا دوباره ترجیح مصرف‌کننده بیشترین ارزش را پیدا می‌کند. اگر مؤسس هوشمندی کافی برای تعیین صحیح نیازمندیهای مصرف‌کننده را نداشته باشد، یا قیمت‌های ثابت شده توسط آن مناسب جیب مصرف‌کننده نباشد؛ کالاهایش به فروش نمی‌رسد.

در یک اقتصاد کاپیتالیستی، چنین جسارت‌هایی بیشترین موفقیت را برای مصرف‌کننده فراهم می‌کند. مصرف‌جهانی چیزی شبیه انتخابات جهانی است و آن میانگین دمکراتیک از کنترل می‌باشد. تنها کیفیتی که برای مصرف‌نیاز است تصرف درآمد برای فراهم کردن کالاهای مورد نظر می‌باشد. در انتخابات اقتصادی یک مصرف‌کننده به اندازه‌ای که تومان برای مصرف دارد رأی به صندوق می‌اندازد اگر انتخاب‌کنندگان اقتصادی بخواهند پول‌هایشان را برای چیزهایی قشنگ بی‌مصرف به جای کالاهای اساسی، برای کالاهای تقلبی به جای کالاهای حقیقی، برای چیزهای زشت به جای چیزهای زیبا خرج کنند، چنین چیزهایی تولید می‌شود.

انتخاب مصرف‌کننده خواه عاقلانه یا احمقانه، عملکرد سیستم صنفی را هدایت می‌کند. این مانند بستن یک مدار الکتریکی و بدین ترتیب، برقرار کردن یک جریان است که چرخ‌های ابزاروارگی را به حرکت درمی‌آورد بنابراین، منطق و دلیل حرکت اقتصادی، قانع کردن خواست‌های مصرف‌کنندگان است.

### محدودیت‌ها:

اما مصرف‌کننده نمی‌تواند خیلی خودخواهانه عمل نماید (گرچه این طور فرض می‌شود) در بهترین حالتش ممکن است یکی از قوانین یا محدودیت‌های دولتی یا تعدادی از قوانین دولتی را به وجود آورد ولی این به عنوان قاعده نیست. محدودیت‌هایی جدی روی آزادی مصرف‌کننده وجود دارد. مهمترین کنترل روی اختیاراتش ناشی از مقدار درآمدش است. نیازهایی که مطابق درآمد حرکت نمی‌کنند ارضاء نمی‌شود مگر اینکه

مصرف‌کننده از پول دانگی استفاده نماید. به عنوان مثال، مصرف‌کننده خواهان روغن خالص می‌باشد اما او مجبور است به یک محصول متوسط نیز به دلیل کمبود درآمد قناعت نماید (راضی شود). بنابراین، خواسته‌های حقیقی مصرف‌کننده در سرمایه‌گذاری تأمین نمی‌شود و فقط آن خواسته‌هایی می‌توانند تأمین شوند که با پول همراه گردند.

بنابراین، مصرف‌کننده‌ها به طور منفرد به حساب نمی‌آیند و ترکیب آنها قانون‌گذار خواهد شد. رضایت مصرف‌کننده همچنین به در دسترس بودن مال التجاره در فروشگاه‌ها بستگی دارد و بعضی محدودیت‌های فیزیکی نیز وجود دارند.

تولید حقیقی به دانش فنی در آن زمان و پیشرفت فنی که ممکن است عقب‌تر از خواسته‌های مصرف‌کننده باشد، متکی است. ما یک قطار بی‌سر و صدا می‌خواهیم اما باید مدت زیادی منتظر بمانیم تا صنعت پیشرفت نماید. خواسته‌های مصرف‌کننده معمولاً جلوتر از آنچه در آن زمان در دسترس است، می‌باشد.

فشارهای زیاد فروشندگان و آگهی‌های مداوم خواسته‌های حقیقی مصرف‌کننده‌ها را تغییر می‌دهد. تبلیغات ماشینی فطرت و ذوق سلیقه مصرف‌کننده را اداره و کنترل می‌نماید. بنابراین، آنها را به خریدن بعضی چیزها، به جز آنچه که می‌خواهند، وادار می‌نمایند. بنابراین، عملاً اختیارات مصرف‌کننده کم و ضعیف می‌باشد.

یک تاجر و بازرگان موفق کسی است که نه فقط احساس و خواسته‌های مصرف‌کننده را تأمین می‌کند بلکه او باید قادر باشد ذوق و سلیقه مصرف‌کننده را به طرف جنس ویژه خود هدایت نماید. مقادیر خیلی زیادی پول صرف تبلیغات در هر کشوری می‌شود در هر محل مناسب مانند کنار جاده‌ها، ایستگاه‌های راه آهن، بدنه درختان و تیرهای تلگراف، بر روی خانه‌ها و اتوبوس‌ها و ترامواها<sup>۱</sup> و هر جا که یک مصرف‌کننده را بتوان با آگهی‌های جذاب

اختیارات مصرف‌کننده می‌باشد. اگر مصرف‌کننده زیاد است، مطمئناً یک مانع بزرگ است. تولید کالاهای استاندارد صرف‌نظر از ذوق‌های متفاوت مصرف‌کننده شاهد قطعی و مسلم است که سیستم جدید اقتصادی توجه کافی به خواسته‌های مصرف‌کننده نمی‌نماید.

## مزایای سرمایه‌داری

کاپیتالیسم در طول قرن‌ها حیات، به کار خود نشان داده است که دارای مزایای ذاتی خاصی می‌باشد ما در زیر به فواید اصلی این سیستم اشاره می‌کنیم:

### ۱) کار کردن به صورت خودکار:

یک مزیت سرمایه‌داری این است که احتیاجی به مرجع برای انجام وظائف ندارد و به صورت خودکار از طریق سیستم و مکانیسم قیمت که در بالا شرح داده شد، عمل می‌کند. اگر آشوبی در اقتصاد به وجود بیاید این سیستم آزاد از طریق تغییر قیمت آن را اصلاح می‌کند. در مقابل، سوسیالیسم می‌تواند فقط از طریق مداخله دولت عمل کند. هزاران نفر حقوق می‌گیرند که نقشه کاری سیستم را تهیه کنند و مقداری زیادی پول صرف طراحی و اجزاء این نقشه می‌شود. اما کاپیتالیسم به صورت خودکار از طریق سیستم قیمت عمل می‌کند بدون اینکه احتیاجی به چنین خرج سنگینی داشته باشد و به سادگی سیستم کاری را مراقبت می‌کند.

### ۲) عرضه بالا و مشوق کار سخت:

مزیت دیگر سرمایه‌داری این است که کارگران و کارفرمایان تشویق می‌شوند تا عرضه خود را از طریق کار سخت توسعه دهند. بنگاه‌داران تهییج می‌شوند که به سختی و با جدیت کار کنند تا سود بالاتری را به دست آورند. بدین ترتیب، عرضه خود را باز هم توسعه دهند. از این رو در سرمایه‌داری نیروی انسانی مملکت به سختی و با تلاش کار می‌کند و از طریق آن تولید ملی افزایش پیدا می‌کند و توسعه اقتصادی شتاب بیشتری می‌گیرد.

روبرو کرد، آگهی‌های نصب می‌گردد:

هر ربالی که صرف تبلیغات و فروش می‌شود جهت هدایت مصرف‌کننده و سلطه بر اوست.

شرکت‌های انحصاری نیز سعی در کنترل مصرف‌کنندگان دارند. در سالهای اخیر تمایلی فزاینده به سمت ترکیب و اتحاد پیدا شده است زیرا تعداد کمی از شرکت‌ها یا بنگاه‌ها به کنترل تمام تولید موفق می‌شوند. در سایه اتحاد، آنها به راحتی می‌توانند شرایط خود را از قبیل قیمت و دامنه تولید، به مصرف‌کننده تحمیل کنند.

کنترل‌هایی نیز در محیط وجود دارد که ما شما را با آن آشنا می‌کنیم. حتی در زمان‌های معمولی محیط هم جلوگیری کننده مصرف کالاهای خاصی مانند مشروبات الکلی می‌باشد. محیط می‌تواند بر روی تولید تأثیر گذارد و آن را منحرف نماید. از این گذشته محیط خودش بزرگترین مصرف‌کننده است.

رسوم و عادات اجتماعی نیز محدود کننده‌اند و آزادی انتخاب را محدود می‌نمایند: آزادی مصرف‌کننده فقط یک رؤیا خواهد بود. با این وصف، مصرف‌کننده معمولاً دارای اطلاعات کمی است و نمی‌داند کدام یک بهترین است. آنها اغفال می‌شوند و همیشه جنس مورد علاقه‌شان را نمی‌توانند انتخاب نمایند. دانش کم، مانع دیگری در راه انجام

### ۳) سرعت بالای تشکیل سرمایه:

همان‌طور که قبلاً ذکر کرده‌ایم، مردم در سرمایه‌داری هدفشان به دست آوردن سرمایه و منتقل کردن آن به جانشینان خود می‌باشد. و به علت این هدف مردم قسمتی از دارایی خود را پس‌انداز می‌کنند که می‌تواند سرمایه قابل توجهی بشود و سرمایه بزرگی برای وارثان آنها باقی‌گذارد. بدین ترتیب، سرعت تشکیل

### ۵) حداکثر سودزا از منابع:

منابع محدود موجود در اجتماع باعث می‌شود که حداکثر استفاده اقتصادی با کمترین اتلاف ممکن از آن منابع صورت گیرد. رقابت شدیدی بین تولیدکنندگان و کارفرمایان برای تولید و فروش محصولات وجود دارد. هر تولیدکننده یا کارفرمایی سعی می‌کند که منابع تولید که در اختیار دارد را در راههایی که

در اقتصاد سرمایه‌داری یک دستور وجود دارد و آن هماهنگ کردن تولید در جهت خواست‌های مصرف‌کنندگان می‌باشد. مصرف‌کنندگان آنچه را که مایل باشند مصرف‌کنندگان نامیده می‌شود. مصرف‌کنندگان قدرت عمده و عمومی را تشکیل می‌دهند و از این رو سیستم دمکراتیک می‌باشد.

○ در سیستم سرمایه‌داری، استفاده بی‌رحمانه از زنان و بچه‌ها، برخوردهای غیرعاطفی با سالمندان و بیماران و بیکاران و محرکهای مزدورانه‌ای که بر روی روابط انسان نفوذ دارند، همه و همه وجدان اجتماعی جامعه را خدشه‌دار و تضعیف می‌کند. از این رو بشریت امروز مصرانه به دنبال راه چاره‌ای برای نجات از سرمایه‌داری است.

سرمایه افزایش می‌یابد و وقتی که پس‌اندازها سرمایه‌گذاری شوند، باعث شتاب رشد اقتصادی خواهد شد.

### ۴) توسعه اقتصادی و جستجوی موفقیت:

حامیان سرمایه‌داری به این نکته توجه می‌کنند که طمع به دست آوردن سود، بنگاهداران را وادار می‌کند که خطر کرده و پیروزی‌هایی در شاخه‌های جدید از تولید به دست آورند. معیار زندگی بدین ترتیب بالا می‌رود و آسایش زندگی ارتقاء می‌یابد و زندگی کاملتر و شادتر می‌شود. این خدمات ارائه شده توسط سرمایه‌داری به جامعه می‌باشد، که مورد ادعای مدافعین آن است.

سرمایه‌داری مشوق بزرگ پس‌انداز و موجد موقعیت‌های زیادی برای سرمایه‌گذاری است. این سیستم باعث رشد ابتکار در توسعه تکنولوژی و استفاده از منابع است و همچنین باعث رشد اقتصادی و افزایش سرمایه می‌شود.

بیشترین سود را ایجاد می‌کنند استفاده کند. اگر کسی اشتباه کند در اثر تشکیل ضایعات و یا ورشکستگی به سرعت تئیه می‌شود و از این طریق سرمایه‌داری سبب حداکثر استفاده تولیدی از منابع کشور می‌گردد.

### ۶) سیستم عادلانه:

بالاترین مزد در سیستم سرمایه‌داری به قابل‌ترین و با شهادت‌ترین افراد و کارفرمایان تعلق می‌گیرد انسانی که به سرعت پیشقدم می‌شود و نشان می‌دهد که به طور شگفت‌انگیزی مفید است، اراده او باعث بالاترین سود می‌شود.

### ۷) مردم‌مداری:

حاکمیت مصرف‌کنندگان باعث می‌شود که سیستم تا حدودی دمکراتیک باشد. هیچ‌کس مایل نیست که مصارفش را مافوقها تعیین کنند.

### تشویق به سرمایه‌گذاری متهورانه و انجام مخاطرات:

مزیت مهم دیگری که در این مقوله قرار دارد این است که سرمایه‌داری که در این مقوله قرار دارد این است که سرمایه‌داری باعث تشویق سرمایه‌گذاران در جهت مخاطره و اتخاذ سیاست‌های متهورانه می‌شود و به این علت باعث ایجاد سود بیشتری می‌گردد. نه تنها مخاطره بیشتر باعث سودآوری بیشتر می‌شود بلکه آنها همچنین ابداعاتی در جهت کاستن مخارج و به حداکثر رساندن سودشان می‌کنند. نتیجه این ابداعات پیشرفت تکنولوژی تولید و کاستن قیمت محصولات است. از این رو سرمایه‌داری باعث ایجاد یک تکنولوژی بسیار پیشرفته در کشور می‌شود.

### ۹) سازگاری:

سرمایه‌داری از قدرت سازگاری بالایی در شرایط گوناگون برخوردار است. هرچند بعضی از بحرانها از سیستم سبقت می‌گیرند اما

سرمایه‌داری به طریقی از آن خارج می‌شود (هرچند با مقداری جزئی زبان اما پیروزمندانه) به هر حال، سازگاری آن در تغییرات شرایط اقتصادی به راستی شگفت‌انگیز است.

## معایب

علیرغم محاسنی که گفتیم امروزه سرمایه‌داری از تمام جهات مورد حمله قرار گرفته است و موارد زیر اصلی‌ترین موردهای حمله به آن است:

### ۱) رقابت بی‌فایده:

رقابت که حالت اصلی اقتصاد سرمایه‌داری می‌باشد فی‌نفسه بیهوده است. هزینه‌های تبلیغات پر زرق و برق موجب گمراهی عمومی می‌گردد و رقیبان بدین ترتیب شکست می‌خورند و منابع توسط کسانی که رقیب را در مسابقه شکست می‌دهند مورد استفاده قرار می‌گیرند. رقابت وحشیانه بهایی به ارزش‌های اجتماعی نمی‌دهد و بنابراین لازم است به سختی نگران باشیم.

نتیجه رقابت، تولیدات بسیار متنوع می‌باشد. تنوع تا حدودی قابل قبول است زیرا برای مصرف‌کننده زمینه انتخاب را فراهم می‌کند. اما تنوع خیلی زیاد موجب اتلاف می‌باشد زیرا یک مجموعه کوچک اما در تعداد زیاد تولید اقتصادی‌تر است.

در این که کارآیی یک سیستم کاپیتالیستی بستگی به وجود رقابت آزاد تحرک عوامل فروش دارد شکی نیست اما وجود اصطکاک حقوقی، اجتماعی مانع رقابت آزاد و اغلب موجب پنهان شدن عوامل تولید می‌گردد.

### ۲) چشم برداشتن از آسایش انسانی:

همانگی تصور شده میان علایق مصرف‌کنندگان (اجتماع) و تولیدکنندگان واقعاً وجود ندارد. فقدان رقابت آزاد، فریب عمده و بی‌پروا توسط تولیدکنندگان و چشم‌پوشی از اهمیت مصرف‌کنندگان، مصرف‌کننده حاکم را به یک برده پست قربانی استثمار تبدیل می‌کند. تصمیمات اقتصادی که توسط مدیران

بناگاههای مجزای نظام سرمایه‌داری گرفته می‌شود، براساس علاقه شخصی آنها و نه براساس نقطه‌نظر و صلاح اجتماعی است. تولیدکنندگان کالاها رابه تعدادی تولید می‌کنند که اختلاف بین قیمت و ارزش بیشترین مقدار را داشته باشد و در نتیجه بیشترین منفعت را عاید نماید. اما کالاهای مورد استفاده‌ای که ارزش آنها در قیمت بیشتر می‌باشد، هرگز تولید نمی‌شود.

نمی‌کنند. در سال‌های ۳۴-۱۹۲۹ که بحران بزرگ وجود داشت بی‌کاری فوق‌العاده‌ای سراسر آمریکا و اروپا را در بر گرفت. حتی ثبات سیاسی بعضی از نقاط هم در خطر افتاده بود. وقتی که یک ترقی‌ناگهانی رخ نماید خطر تورمی که منجر به رنج کشیدن توده‌ای بزرگ، مخصوصاً از فقرا و گیرندگان حقوق ثابت (کارمندان) شود، وجود خواهد داشت.

### ۴) حق مالکیت اولویت بر حقوق بشر دارد:

کاپیتالیسم بر اولویت حق مالکیت بر حقوق بشر تأکید بی‌جهت می‌نماید. با انسان که اشرف مخلوقات خداست مانند یک برده معمولی رفتار می‌شود. پول بر دنیا حکومت می‌کند و بدین خاطر انسانیت را کم‌بها می‌نماید. با انسان که اشرف مخلوقات خداست مانند یک برده معمولی رفتار می‌شود. پول بر دنیا حکومت می‌کند و بدین خاطر انسانیت را کم‌بها می‌نماید.

### ۵) تضاد طبقاتی:

کاپیتالیسم تخم اضطراب اجتماعی دائمی را با تقسیم کردن اجتماع به دو گروه متخاصم سرمایه‌دار و کارگر کاشته است. داراها و ندارها دائماً عبوسانه به همدیگر نگاه می‌کنند و منتظر موقعیتی می‌باشند که باهم بجنگند. دلیل آن این است که منافع آنها مدام در حال تضاد باهم است. کارگران حقوق بیشتر و ساعات کاری کمتر می‌خواهند که متضاد با منافع سرمایه‌داران می‌باشد. اعتصاب و بستن کارخانه‌ها متداول است.

### ۶) عدالت طبقاتی و بی‌عدالتی اقتصادی:

به علت گستاخی کاپیتالیسم است که تضادهای طبقاتی باگذشت زمان بیشتر می‌شود. تنها ندای حاکی از عدالت اجتماعی را بایستی در معابد و مساجد شنید از یک طرف تعداد اندکی از مردم پولدارند و از طرف دیگر توده بسیاری غرق در اعماق فقر می‌باشند. دسته اول از یک زندگی پرتجمل بدون

زیرا تنها محرک سود است که باعث تحرک آنها می‌شود. در یک کلام، آسایش اجتماعی کاملاً صرف‌نظر می‌شود.

### ۳) رکود اقتصادی و بی‌کاری:

وقوع مکرر دورانهای تجاری به خاطر رقابت مفرط که منجر به تولید بیش از اندازه می‌شود یکی از تلخ‌ترین ره‌آورد‌های کاپیتالیسم می‌باشد. تولید بدون برنامه‌ریزی است و به اضافه شدن مدام سرمایه که کراراً اضافه می‌شود می‌انجامد در حالی که توده مصرف‌کنندگان روز به روز فقیرتر می‌گردند. در این مواقع اگر بین تولید و مصرف توازن برقرار شود، معجزه خواهد بود. نتیجه آن رکود اقتصادی است. پیامد آن ترقی‌های ناگهانی تنزل‌های ناگهانی می‌باشد و وقتی که کساد می‌روکند بی‌کاری گسترده‌ای دامن‌گیر خواهد شد. کارگران که بیشترین مردم یک کشور را تشکیل می‌دهند باید تمام مدت نگران از دست دادن کارشان باشند. آنها هیچ امنیتی احساس

دردسر و بی‌نیاز از کار استفاده می‌کنند و گروه دیگر نمی‌توانند دو وعده غذایی کامل با کار زیاد به دست آورند. آنها با لباس مندرس در خانه‌های غیر قابل سکونت زندگی می‌کنند و اغلب، بچه‌هایشان از نداشتن شیر و دوامی‌میرند در حالیکه سگ‌های افراد پولدار بهتر تغذیه می‌شوند و در عروسی‌هایشان مخارج یک عمر ده‌ها خانوار فقیر ریخت و پاش می‌گردد. بدیهی است نظامی که در آن بی‌عدالتی اجتماعی و کمبودهای اقتصادی وجود دارد، محکوم است. در یک کلام، کاپیتالیسم لبریز از بی‌عدالتی است به نحوی که تعداد اندکی زندگی پر تجمل دارند و اکثریت در حالت نیمه‌گرسنه به سر می‌برند. محصولات از بین می‌روند (می‌پوسند) و وقتی که انسانها دارند از گرسنگی تلف می‌شوند، و چرخ ماشین‌ها از گردش باز ایستاده است، در حالی که در بیرون بیکاری به شدت پیداد می‌کند.

## ۷) اختصاص ندادن منابع به ملت:

به کاپیتالیسم به خاطر اختصاص ندادن منابع تولیدی به ملت، ایراد وارد است. تولیدات تحت سلطه کاپیتالیسم فقط به خاطر ارضاء نیازهای اولیه توده مردم نمی‌باشد. منابع تولید فقط برای استفاده اشخاص پولدار و زندگی پر تجمل آنها بدون در نظر گرفتن نیازهای اولیه توده مردم است. واقعیت این است که تولیدات تحت سلطه سرمایه‌داری باید به درخواست مصرف‌کنندگان باشد، ولی چون نابرابری شدیدی در حقوق و اموال وجود دارد و درخواست‌ها مطابق قدرت خرید مردم است، مردم پولدار در بازار تولید قدرت بیشتری دارند.

تولیدکنندگان، تصمیمات خودشان را در رابطه با تولیدات با در نظر گرفتن قیمت بازار اتخاذ می‌کنند. و به همین سبب برای آنها سود بیشتری دارد که برای پولدارها اجناس لوکس تولید نمایند. زیرا آنها می‌دانند این اشیاء را به قیمت بالاتری خریداری نمایند. از طرف دیگر، لوازم مورد نیاز افراد فقیر تولید نمی‌شود زیرا آنها قادر به خرید آن نخواهند بود.

اقتصادی یکی از اساسی‌ترین نقص‌های سرمایه‌داری شمرده می‌شود.

## ۹) سوء استفاده‌ها:

در سال‌های اخیر تصویری که از کاپیتالیسم داشته‌ایم به سبب سوء استفاده‌ها و زیاده‌رویهای صنعت‌گران و صاحبان مشاغل خصوصی و دولتی دچار خدشه شده است. این چنین روش‌ها باعث پیدایش پرداخت حقوق‌های کلان به مدیران متنفذ، شانه خالی کردن از پرداخت مالیات به وسیله گزری گاه‌های قانونی، ساختن زندگی‌های تجملی با استفاده از خزانه دولت، و پیدایش و رواج شبکه‌های مخوف از طریق استفاده از پول‌های نامشروع و قراردادهای محرمانه و معاملات غیرقانونی شده است. امروزه کاپیتالیسم با توجه به رسوایی‌هایی که توسط اشخاص متنفذ و دست اندرکاران برای آن ایجاد شده است نزد عموم رسوار و بی‌آبروست. نامردمی‌های شبکه‌های سرمایه‌داری در جریانات پس از انقلاب ایران مثال خوبی برای این مسأله است. همه این سوء استفاده‌های انجام شده نمایانگر صورت پلید و زشت کاپیتالیسم می‌باشد.

## نتیجه:

کیفر خواست سیستم سرمایه‌داری جرم‌های بیشتری را هم باید شامل شود. سوء استفاده‌های بی‌رحمانه از زنان و بچه‌ها، برخوردهای غیرعاطفی با سالمندان و بیماران و بیکاران و محرکهای مزدورانه‌ای که بر روی روابط انسان‌ها نفوذ دارند همه و همه وجدان اجتماعی جامعه را خدشه دار و تضعیف می‌کند. از این رو، بشریت امروز، مصرانه به دنبال راه چاره‌ای برای نجات از سرمایه‌داری است. هم‌اکنون ناقوس مرگ کاپیتالیسم در اکثر ممالک دنیا به صدا درآمده است. روشنفکران مردمی با غرور، نظریات پیشرفته را در ممالک سرمایه‌داری ارائه می‌دهند و به عنوان راه فراری از شرایط ذلت بار موجود مطرح می‌سازند. طبیعی است که متقابلاً سرمایه‌داری نیز راه‌های نوی برای حیات خود جستجو می‌نماید.

می‌توان با استفاده از افزایش سهم منابع، تولید اجناس عام‌المصرف و رضایت فقرا را نسبت به ثروتمندان افزایش داد ولی این از طریق کاپیتالیسم امکان‌پذیر نیست. در این جاست که تولید بر خواست‌ها و آرزوهای فقرا استوار نیست بلکه بر اساس قیمت‌های بازار است. قیمت‌های بازار دقیقاً با فهرست صحیح درخواست‌ها و نیازهای عموم مردم متناسب نمی‌باشد. زیرا مردم پولدار نفوذ دارند و توسط درآمد بالایشان، بازار را هدایت می‌کنند.

## ۸) پیدایش امتیازهای انحصاری و تمرکز قدرت اقتصادی:

تحت نفوذ کاپیتالیسم، رقابت‌های کامل و آزاد از بین می‌روند و به جای آنها اتحادهای بزرگ از تولیدکنندگان قدرتمند و شرکت‌های انحصاری پدید می‌آیند که شرکت‌های معمولی خصوصی نمی‌توانند با آنها رقابت نمایند. این امتیاز داران بزرگ با داشتن منابع وسیع بازار را کنترل می‌کنند و تولیدکنندگان کوچک را از صفحه خارج نمایند.

بنابراین، تحت نفوذ سرمایه‌داری مبادرت به کار فقط یک نام است و این مبادرت کاری برای همه آزاد نیست. در اصل فقط آن دسته از امتیازداران می‌توانند کار کنند که منابع وسیعی در دست دارند. این امتیازداران انحصاری تولیداتی با مقدار کم و با قیمت‌های بالا تولید می‌نمایند تا بتوانند از مصرف‌کنندگان سوء استفاده نمایند. همچنین شرکت‌های بزرگ شرکت‌های کوچک را نیز تحت کنترل قرار می‌دهند. از این رو تمرکز قدرت اقتصادی در دست افراد معدودی می‌باشد. تمرکز قدرت